

پیروزی و شکست تو،

مرهون تلاش توست

غلامحسین کرمی

دانشجوی دکتری آموزش و ترویج دانشگاه شیراز

بازسازی سبک اسناد دانش آموزان و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی

مقدمه

پیشرفت تحصیلی در گرو عوامل بی شماری است که می توان آن ها را ذیل دو مقوله کلی «تفاوت های فردی» و «عوامل مربوط به مدرسه و نظام آموزش و پرورش» بررسی نمود. عامل تفاوت های فردی به ویژگی های شخصیتی از جمله انگیزش و سبک های اسنادی اشاره دارد. عامل مدرسه و نظام آموزش و پرورش نیز به عوامل محیطی و بیرونی اشاره دارد. عوامل انگیزشی از جمله سبک اسناد و انگیزه پیشرفت تحصیلی در این میان اهمیت بسیاری دارند (Zahra Kar, 2007)

انگیزش از جمله مباحث بسیار پیچیده است. این پیچیدگی دلایلی دارد؛ اول اینکه انگیزش به چرایی رفتار مربوط است نه به چگونگی آن. دوم، انگیزه ها به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند و آن ها را فقط می توان از روی رفتار استنباط کرد. سوم، انگیزه های یکسان در افراد مختلف می توانند به رفتارهای کاملاً متفاوتی منجر شوند. چهارم، انگیزه ها نه فقط تحت تأثیر نیروهای درون فردی قرار می گیرند، بلکه از محیط فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیر می پذیرند (علاقه بند، ۱۳۸۴).

به عقیده برخی صاحب نظران انگیزه چیزی است که شخص را به «عمل به طریق معین» وادار می سازد یا حداقل تمایل به رفتاری خاص را در او به وجود می آورد. در مجموع موفقیت، امید به کار و اشتیاق به تحصیل وابسته به یک رشته عوامل رفتاری است که زیربنای آن ها را انگیزش تشکیل می دهد. مشارکت فعالانه در فرایند یادگیری و آموزش، قبول مسئولیت های اجتماعی و فردی و متعهد بودن به وظایف و پذیرش

مقررات و ضوابط در محیط تحصیلی تا حد زیادی به انگیزش انسان بستگی دارد. خلاصه اینکه انگیزش بر تمام جنبه های رفتاری انسان و همچنین بر دیدگاه ها، مفاهیم و یادگیری های فرد تأثیر می گذارد (رضایی مقدم ورستی، ۱۳۸۹).

موضوع انگیزش از سوی دانشمندان روان شناس و متخصصان علوم رفتاری به روش های مختلف مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته و تئوری های متعددی نیز در این زمینه ارائه شده است. این تئوری ها را می توان در سه حیطه یا مرحله ایجاد انگیزه، هدایت انگیزه و استمرار انگیزه تقسیم بندی نمود. یکی از موضوعات کاربردی انگیزش، تبیین ها و دلایل افراد در مورد موفقیت ها و شکست های خود و دیگران است که تحت عنوان تئوری اسناد مورد بررسی قرار می گیرد (Weiner, 1986).

اسناد از جمله مفاهیمی است که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از روان شناسان و متخصصان علوم اجتماعی قرار گرفته و در حیطه های روان شناسی اجتماعی، روان شناسی شخصیت و روان شناسی انگیزش مباحث و پژوهش های بسیاری را به خود اختصاص داده است.

کلیدواژه ها: انگیزش، سبک اسناد، هسته کنترل، پیشرفت تحصیلی

تئوری اسناد (Attribution Theory)

تئوری اسناد از جمله دیدگاه های پویای روان شناختی است که به تبیین و تشریح برداشت افراد از علل وقایع پرداخته و چگونگی ادراک یک فرد از



روند فعالیت‌های معطوف به موفقیت و پیشرفت، عوامل چهارگانه توانایی (Ability)، کوشش (Effort)، شانس (Luck)، و دشواری تکلیف (Task difficulty) را مؤثر می‌داند (خداپناهی، ۱۳۸۵). وی اساسی‌ترین تمایز علی توضیحات افراد را در دو طبقه عمده دلایل شخصی (درونی) و دلایل محیطی (بیرونی) قرار داد. اسنادهای درونی هنگامی است که فرد رویدادها را به ویژگی‌های شخصی و درونی، مانند توانایی و کوشش، نسبت دهد و اسنادهای بیرونی مربوط به هنگامی است که وقایع را به سازه‌های بیرونی و محیطی، مانند شانس و فعالیت دیگر افراد منتسب کند. به این ترتیب دو دسته اسناد کلی به‌عنوان اسناد موقعیتی و اسناد شخصی شکل می‌گیرد (Houston, 1994). در همین راستا، راتر برای نخستین بار اصطلاح هسته کنترل (Locus of Control) را وارد روان‌شناسی کرد. از نظر وی هسته کنترل جزء متغیرهای شخصیتی محسوب می‌شود و دارای دو سطح درونی و بیرونی است. فرد بر خوردار از هسته کنترل درونی، عامل پیامدهای رفتاری خود را به درون خود نسبت می‌دهد. بالعکس وقتی که از هسته کنترل بیرونی برخوردار باشد، منشأ رفتار را به وقایع بیرونی نسبت می‌دهد. بر این اساس تلاش و توانایی دارای علیت درونی، دشواری و شانس دارای هسته علیت بیرونی است (Nokelainen et al., 2007).

فرد دیگری که در گسترش تئوری اسناد سهم عمده‌ای دارد **برنارد واینر** است. به عقیده واینر بیشتر تبیین‌ها و اسنادهای افراد از شکست‌ها و موفقیت‌هایشان دارای سه بعد مهم است:

۱. درونی در مقابل بیرونی ۲. با ثبات در مقابل بی ثبات ۳. قابل کنترل در مقابل غیر قابل کنترل. از ابعاد سه‌گانه فوق مفهوم منبع یا مکان کنترل جایگاه مهمی دارد. در بعد دوم، وضعیت ثبات دلایل بر پایداری و ناپایداری یک اسناد ویژه دلالت دارد. یعنی عناصر علی بر اساس میزان دوامشان در طول زمان طبقه‌بندی می‌شوند (Weiner, 1994). برای مثال کوشش‌های آنی و بخت و اقبال، ناپایدار و گذرا و لذا بی ثبات هستند. در مقابل، توانایی و دشواری واقعی تکالیف پایدار و در نتیجه باثبات هستند. تأثیر اولیه بعد ثبات بر انتظار فرد از بازده‌های اعمال او در آینده است. اگر اعتقاد افراد به نوعی بازده خاص، نتیجه عوامل باثبات مثل توانایی باشد، آن‌گاه فرد آن نوع بازده را انتظار خواهد کشید. اما اسنادهای مربوط به علت‌های بی ثبات، چون بخت و اقبال یا کوشش آنی، در این باره که بازده‌های قبلی در آینده نیز اتفاق خواهد افتاد، با شک و تردید همراه است. برای مثال شکست در یک آزمون که به توانایی یا دشواری تکلیف نسبت داده می‌شود، منجر به انتظار شکست‌هایی از این قبیل در آینده خواهد شد. اما یک نمره کم که به بد اقبالی نسبت داده می‌شود، انتظارات مربوط به کسب موفقیت در آینده را چندان کاهش نمی‌دهد (دارابی، ۱۳۷۳). بعد سوم اسناد از دیدگاه واینر کنترل‌پذیری است. کنترل‌پذیری به امکان کنترل رویدادها به وسیله خود فرد اشاره دارد. بر خسی از رویدادها تحت کنترل و در اختیار فرد است و پاره‌ای دیگر خارج از کنترل اوست. کنترل‌پذیری به مسئولیت‌پذیری افراد نیز بر می‌گردد. برای مثال تلاش عاملی قابل کنترل است. زیرا افراد می‌پذیرند چقدر تلاش کرده‌اند. برعکس، استعداد یا توانایی عاملی غیر قابل کنترل است (Forsterling, 2001). ویژگی کنترل‌پذیری به عواطف و هیجانات مختلفی می‌انجامد. اسنادهای تحت کنترل به احساس شایستگی یا گناه منجر می‌شود. مثلاً نتایج مثبت کسب شده که به علت‌های تحت کنترل نسبت داده شوند، احساس اطمینان در فرد ایجاد می‌کنند. نتایج منفی

علل رفتار یا رفتار افراد دیگر را تشریح می‌کند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۷۷). به عبارت دیگر اسناد عبارت‌است از فرایندی که افراد به کار می‌برند تا رویدادها یا رفتارها را به عوامل زیربنایی آن پیوند دهند (کریمی، ۱۳۸۵). این تئوری ره‌آوردی شناختی است که روند ادراک علیت رفتار را بررسی می‌کند و هدف آن روشن کردن این نکته است که ما در تلاش برای توجیه رفتارها از چه قواعدی استفاده کرده و چه خطاهایی را مرتکب می‌شویم (موسوی، ۱۳۸۳). بنابر تعریف سیف (۱۳۷۹) اصطلاح اسناد یا نسبت دادن به علت‌هایی که فرد برای رویدادها یا نتایج اعمالش به ویژه کسب موفقیت یا مواجهه با شکست برمی‌گزیند، اشاره دارد.

فرض اساسی نظریه اسناد این است که جست‌وجو برای درک و فهم امور و عامل رویدادها، مهم‌ترین منبع انگیزش انسان است. از این رو هدف این نظریه پیدا کردن راه‌هایی است که در آن افراد به توضیح و تبیین رویدادها و روابط علی و معلولی بین آن‌ها می‌پردازند (سیف، ۱۳۷۹). از آنجا که همه افراد فعالانه در جست‌وجوی علل وقایع هستند، نظریات اسنادی تا حدی مبتنی بر اطلاعات به دست آمده و باورهایی است که خود ناشی از تجارب شخصی یا استنتاج از گفته‌های دیگران است و پیامدهای آن بر سطح انتظارات آنی و میزان انگیزش و پایداری در تلاش قابل توجه است (یوسفی و شیخ، ۱۳۸۱). در واقع انسان می‌خواهد درباره ساختار علی محیط خویش هر چه بیشتر شناخت پیدا کند و بداند چرا واقع‌های اتفاق می‌افتد و این رویداد با چه انگیزه‌ای قابل اسناد است؛ زیرا معمولاً انسان تنها از توصیف پدیده‌های محیط خشنود نمی‌شود، بلکه می‌خواهد به تعبیر و تفسیر رویدادهای محیطی نیز بپردازد (خداپناهی، ۱۳۸۵). این شناخت و ارزیابی، که عقاید و باورهای خود فرد را هم شامل می‌شود، در شکل‌دهی رفتار نقش دارد.

ابعاد نظریه اسناد

روان‌شناسان اجتماعی در تحلیل قضیه اسناد نیز، مانند بسیاری از موضوعات دیگر، اتفاق نظر کامل ندارند و آن‌را از دیدگاه‌های مختلف مورد تحلیل قرار داده و نظریه‌های متفاوتی در این مورد وضع کرده‌اند (کریمی، ۱۳۸۵). اولین تحلیل نظام‌یافته از «ساختار علی مورد استفاده به‌وسیله افراد در تحلیل وقایع» توسط فریتز هایدل ارائه شد. پس هایدل را می‌توان آغازگر رویکرد اسناد در حیطه روان‌شناسی نامید (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۷۷) که در

به دلیل آنکه سبک اسناد منعکس کننده میزان خودباوری فراگیر است، بیشترین تأثیر را بر عملکرد تحصیلی دارد. اگر فردی از استعداد و توانایی مطلوبی در امور تحصیلی برخوردار باشد، اما خودش این استعداد و توانایی را باور نداشته باشد نمی تواند متناسب با آن پیشرفت کند

و به همین دلیل اصلاح و تغییر پیامدهای آینده را برای خود امکان پذیر می سازد. پس سبک اسناد یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی و بهترین پیش بینی کننده وضعیت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است.

رابطه سبک اسناد و ویژگی های ممتاز اخلاقی

پرداختن به مفاهیمی مانند عزت نفس، خودسودمندی، مسئولیت پذیری، توفیق گرایی و خودانگیزی و ارتباط آن با سبک اسناد دانش آموزان حداقل از دو منظر قابل توجه است. نخست آنکه این مفاهیم ذاتاً دارای ارزش تربیتی هستند و هر یک به عنوان بخش مهمی از اهداف تربیتی در هر نظام آموزشی باید مورد توجه قرار گیرند، و دوم آنکه مؤثر بودن و کارآمدی هر انسانی در نقش هایی که برعهده خواهد گرفت منوط به رشد و توسعه هر یک از ابعاد یاد شده است. (یوسفی و شیخ، ۱۳۸۱)

در متون اعتقادی اسلام بر تربیت افرادی که دارای هسته نظارت درونی باشند تأکید شده و پیامدهای رفتار انسان را ناشی از عمل فرد می داند. از جمله در سوره مدثر، آیه ۳۸ می فرماید: کل نفس بما کسبت رهینه: هر کسی در گرو عملی است که انجام داده. همچنین در سوره نجم آیه ۳۹ می فرماید: و ان لیس للانسان الا ما سعی: برای آدمی جز آنچه از سعی و عمل خود انجام داده، چیزی نخواهد بود.

در متون ادبی نیز به همین مطالب اشاره شده است. مولانا جلال الدین رومی می گوید:

منگر به هر گدایی، تو خاص از آن مایی
مفروش خویش ارزان، تو بس گران بهایی
و نیز می گوید:

تو ز خاک سر برآور که درخت سر بلندی
تو پیر به قاف قربت که شریف تر همایی
و حافظ می گوید:

بیاتاکل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم

در واقع تأکید متون اسلامی و منابع ادبی ما بر تربیت افرادی با ویژگی هایی هم چون خودباوری و مسئولیت پذیری، که از جنبه های مثبت و ممتاز اسناد می باشند، مؤید آن است که این گونه افراد در مراحل مختلف زندگی و در تحصیل علم و دانش عملکرد بهتری خواهند داشت.

یکی از پیامدهای نسبت دادن های علی در رابطه با منابع درونی و بیرونی کنترل، رابطه آن با احساس احترام به خود یا عزت نفس، خودسودمندی، مسئولیت پذیری، توفیق گرایی و خودآگاهی است. پیامدهای مثبت رفتار که به علت های درونی نسبت داده می شود، در

ناشی از اسنادهای تحت کنترل به احساس گناه منجر می شود. از افراد دیگری که در توسعه نظریه اسناد نقش داشته اند می توان به **آبرامسون و سبگمن** اشاره کرد. آن ها در طبقه بندی خود از عوامل اسناد علی یک بعد دیگر را نیز وارد نموده اند. از نظر آن ها علت وقایع ممکن است در دامنه ای گسترده از پیامدها (اسناد کلی یا تبیین عمومی) تا یک واقعه خاص (اسناد خاص یا تبیین ویژه) در نوسان باشد. عامل کلی یا عمومی به عاملی اطلاق می شود که از کلیت بالایی برخوردار است، با دوام است و به سادگی قابل تغییر نیست، اما عامل خاص یا ویژه شامل عواملی می شود که به موقعیت های خاص مربوط می شود و حالت لحظه ای یا موقتی دارد (Abramson et al., 1978). مثلاً اگر علت شکست را به توانایی یا عدم توانایی نسبت دهیم به یک عامل کلی و عمومی پناه برده ایم. اما اگر علت فوق را به عوامل خاص و موقتی، مثل عدم تلاش یا کسالت و بیماری، نسبت دهیم به یک عامل ویژه اسناد کرده ایم (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۷). از جمع بندی دیدگاه های اشاره شده در این چهار بعد، ۱۶ طبقه مختلف از اسناد را می توان ارائه داد (نگاره ۱).

		کنترل پذیری		درونی	هسته کنترل
		غیر قابل کنترل	قابل کنترل		
موقعیت	بایثبات			بیرونی	
	بی ثبات				
		کلی	خاص		
		عمومیت			

طبقهات مختلف اسناد (منبع یافته های پژوهش)

رابطه سبک اسناد و پیشرفت تحصیلی

بارها دیده شده اند دانش آموزانی که از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه به هم هستند، اما در پیشرفت تحصیلی تفاوت های زیادی با یکدیگر دارند. بسیاری از این تفاوت ها به حوزه انگیزش مربوط می شود. شناخت مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه های مختلف، از جمله انگیزه پیشرفت تحصیلی و تأثیر آن بر فرایند یادگیری دانش آموزان، به مدرسان کمک می کند تا شرایط یادگیری و کیفیت روش های آموزشی را بهبود بخشند. در این بین توجه به نظریات مختلف انگیزشی به خصوص نظریه اسناد و هسته کنترل در ایجاد انگیزه های درونی و کارآمدی یادگیری مؤثر خواهد بود. به دلیل آنکه سبک اسناد منعکس کننده میزان خودباوری فراگیر است، بیشترین تأثیر را بر عملکرد تحصیلی دارد. اگر فردی از استعداد و توانایی مطلوبی در امور تحصیلی برخوردار باشد، اما خودش این استعداد و توانایی را باور نداشته باشد نمی تواند متناسب با آن پیشرفت کند (دارابی، ۱۳۷۳) در واقع نوع اسنادی که افراد برای موفقیت و شکست های خود بر می گزینند، مهم ترین عامل تعیین کننده مرتبط با پیشرفت تحصیلی است. به عنوان مثال شخصی که شکست خود را به فقدان توانایی نسبت می دهد در مواجهه با شکست از خود مقاومتی نشان نمی دهد، زیرا اعتقاد دارد توانایی یک عنصر باثبات است و به همین جهت تغییر پیامدهای آینده را برای خود غیرممکن می داند. در مقابل، فردی که علت شکست خود را به فقدان تلاش نسبت می دهد در مواجهه با شکست از خود مقاومت نشان می دهد؛ چون باور دارد تلاش یک عامل قابل تغییر است



شخص احساس غرور و عزت نفس یا اعتماد به خود ایجاد می کند. اما موفقیتی که به علل بیرونی چون بخت و اقبال و یا کمک دیگران نسبت داده می شود احساس غرور و اعتماد ایجاد نمی کند. در واقع مفهوم خود یا خودپنداره یادگیرنده به الگوی نسبت داده شده وابسته است. فردی که برای موفقیت دارای منبع درونی کنترل و برای شکست دارای منبع بیرونی کنترل است، با مفهوم خود مثبت با تکالیف مختلف یادگیری ارتباط برقرار می کند (سیف، ۱۳۷۹). قابل توجه اینکه ادراک یک فرد از علت وقوع یک واقعه با باور او مبنی بر اینکه می تواند بر آن واقعه کنترل داشته باشد، متفاوت است. در اسناد علمی، فرد علل احتمالی یک واقعه را مشخص و معلوم می کند که هر کدام از این علل به صورت بیرونی یا درونی هستند. سپس تحلیل می کند که آیا می تواند به وسیله رفتار خود بر پیامدها تأثیر بگذارد یا نه؟ لذا این باور که اگر علت یک واقعه بیرونی باشد الزاماً بیانگر آن نیست که نمی توان بر آن کنترل داشت، و به بیان دیگر علت یابی بیرونی ضرورتاً به فقدان کنترل درونی اشاره نمی کند. به عنوان مثال وقتی شخصی اعتقاد دارد که

را به خاطر شکست هایشان سرزنش می کنند، انگیزش پیشرفت را در آن ها پایین می آورند. آنان فکر می کنند که انگیزه پیشرفت محصول غیر قابل تغییر تجارب دوران کودکی است و بنابراین معلمان در بالا بردن سطح آن قدرت مانور ندارند (سیف، ۱۳۷۹).

در مقابل، تحقیقات متخصصان علوم رفتاری نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی مرتبط با انگیزش تحصیلی، سبک اسناد و هسته کنترل تغییر پذیرند و در صورتی که افراد متوجه موفقیت در شرایط جدید شوند، ممکن است الگوهای دراز مدت خود را در مورد هسته کنترل بیرونی و انگیزه ضعیف پیشرفت کنار بگذارند (رضایی مقدم و رستمی، ۱۳۸۹). در نظریه اسناد نیز انگیزش پیشرفت پدیده ای انعطاف پذیر و قابل تغییر فرض می شود و چگونگی تفکر (ادراک و تفسیر) افراد از علت های موفقیت و شکست شان تعیین کننده اصلی انگیزش پیشرفت آنان به حساب می آید نه تجارب تغییر ناپذیر دوران کودکی. بنابراین فرض اسناد، مبنی بر امکان درونی کردن انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان، مربیان و معلمان را در انجام موفقیت آمیز وظایف آموزشی خود امیدوار می کند.

با توجه به مباحث قبلی مبنی بر اینکه سبک اسناد قابل تغییر بوده و اسناد های مثبت آموختنی است، حال این سؤال مطرح می شود که برای تغییر هسته کنترل بیرونی به درونی چه کار باید کرد؟ به عبارت دیگر چگونه باید مسئولیت پذیری را به افرادی که از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنند آموخت؟ در این خصوص برنامه های اصلاحی متعددی ارائه شده است که با توجه به سن و مقطع تحصیلی تفاوت دارد. یکی از این روش ها که در موقعیت های آموزشی کاربرد دارد؛ توسط بیگر ارائه شده است. این مدل برای دانش آموزان برخوردار از هسته کنترل بیرونی و انگیزه پیشرفت تحصیلی پایین، مناسب است. در این روش می توان فراگیر را در مقابل یک مانع قرار داد تا خودش دست به انتخاب بزند. و چنانچه مسئولیت آن را پذیرفت به او پاداش داده شود و تشویق گردد. همراه با رویکرد تشویق می توان برای فراگیر بیرون بین، الگوهای موفق ارائه داد و به صورت فرضی دانش آموزی را توصیف کرد که از نظر درسی وضع مطلوبی دارد و سپس راه های کسب موفقیت او را شرح داد (دارابی، ۱۳۷۳).

به طور کلی تعیین دقیق اهداف آموزشی، ترسیم فضای آموزشی بر پایه توفیق گرای تکلیف مدار و مسئولیت محور در رضایت دانش آموز از کلاس درس مؤثر است. با توجه به اینکه اسنادها در شکل گیری انتظارات آینده

می تواند بر وقایع و محیط بیرونی تأثیر گذارد، حتی اگر علت وقوع یک واقعه را هم بیرونی بدانند باز هم خود را قادر به کنترل آن واقعه می داند؛ زیرا به توانایی خود در تأثیر گذاری بر محیط بیرونی باور دارد (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۷). این نوع ادراک را می توان تحت عنوان خودسودمندی بیان داشت. خودسودمندی به عنوان شکل ویژه و اختصاصی از اعتماد به نفس، مفهومی است قابل دسترس که به تجربیات گذشته و وظایف آینده فرد ارتباط می یابد. شواهد و نتایج تحقیقات نیز مؤید آن است که دانش آموزان، با احساس خودسودمندی و توانایی تأثیر گذاری بر محیط، عملکرد درسی بهتری خواهند داشت (یوسفی و شیخ، ۱۳۸۱).

همچنین افراد دارای منبع کنترل درونی معتقدند که رویدادهای مثبت زندگی، مثلاً موفقیت تحصیلی، در نتیجه برنامه ریزی دقیق و کوشش پیگیر خود آن ها به دست می آید، لذا برای هرگونه عمل و رفتار خود و پیامدهای ناشی از آن قبول مسئولیت می کنند (سیف، ۱۳۷۹). از سوی دیگر افراد دارای منبع کنترل بیرونی بین رفتار خود و رویدادها هیچ گونه رابطه علمی و معلولی نمی بینند و بخت و اقبال، تصادف و یا شانس یا اشخاص دیگر را مسئول نتایج رفتار خود می دانند، در نتیجه، در مورد اعمال و رفتار خود مسئولیت پذیر و پاسخگو نیستند.

چون افراد دارای منبع بیرونی کنترل بر این باورند که رفتارها و مهارت های خود آنان بر تقویت هایی که دریافت می کنند چندان تأثیری ندارد، برای کوشش های خود ارزشی قائل نمی شوند. آن ها به کنترل زندگی خود به دست خویش در حال و آینده ایمان ندارند. در مقابل کسانی که معتقد به منبع کنترل درونی هستند بر این باورند که کنترل زندگی خود را شخصاً در دست دارند و برای مهارت ها و توانایی های فردی ارزش قائل اند.

بازسازی و تغییر سبک های اسناد

پژوهش های اولیه انجام شده درباره انگیزش پیشرفت، عموماً بین نحوه رفتار و بر خورد والدین با فرزندان و انگیزش پیشرفت آنان رابطه نیرومندی نشان داده اند. یعنی والدینی که فرزندان خود را در انجام کارهای تازه و عملکرد سطح بالا تشویق می کنند، در آنان نیاز به پیشرفت را تقویت می نمایند. اما والدینی که بیش از اندازه مواظب کودکان خود هستند و آنان

فرد نقش دارند، در فرایند بازسازی اسنادی نیز سعی می‌شود به جای تأکید بر ناتوانی و بی‌استعدادی در عدم موفقیت، به تلاش ناکافی اشاره شود. در این روش ضمن واقع‌بینی و هدایت استعدادها، افراد به تلاش و تمرین تشویق می‌شوند و ریشه رویدادها از متغیرهای غیر قابل کنترل، نظیر حوادث و ناتوانی، به عواملی مانند سعی و تلاش و پایداری تغییر جهت می‌دهد.

بر همین اساس بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت اصول اسناد را در قالب برنامه‌های جبرانی جهت بهبود عملکرد دانش‌آموزانی که دارای مشکلات تحصیلی می‌باشند به کار گرفته‌اند. در اکثر این برنامه‌های جبرانی به وسیله ارائه بازخوردهای کلامی مناسب به فراگیر، موضوع تلاش به‌عنوان عاملی اساسی در موفقیت و شکست بر جسته می‌شود. برای مثال به‌دنبال اتمام یک تکلیف، به دانش‌آموزان گفته می‌شود علت پاسخ‌های غلط آن‌ها فقدان تلاش و علت پاسخ‌های صحیح آنان ناشی از تلاش زیاد است (سیف، ۱۳۷۹).

در یک برنامه آموزشی با هدف تغییر دادن اسنادهای ناسازگار باید بیش از تأکید بر پیشرفت، بر یادگیری تأکید شود که مشوق کوشش‌های فراگیر است و با تأکید بر فعالیت فراگیر بازخورد لازم صورت می‌گیرد. علاوه بر آن کاهش رقابت میان فراگیران برای کسب نمره از طریق روش‌های آموزش برای یادگیری در حد تسلط (روش تسلط آموزشی) نیز در ایجاد اسنادهای شایسته و مثبت در فراگیر نقش مؤثری دارد. به‌طور خلاصه راهکارهای بهبود سبک اسناد دانش‌آموزان و ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی را می‌توان در قالب نگاره (۲) جمع‌بندی کرد.



الگوی پیشنهادی برای تغییر و بازسازی سبک‌های اسنادی (منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

افراد در تبیین عللی از رویدادهای زندگی همسان عمل نمی‌کنند. بنابراین اسنادها دلایل یا عللی هستند که هر فرد برای یک اتفاق مرتبط با خود یا دیگران قائل می‌شود. برخی افراد به اقتضای سبک تبیین خوش‌بینانه حاکم بر رفتار خود، که طی فرایند رشد و تعامل با متغیرهای محیطی به دست آورده‌اند، حوادث مثبت را به عوامل درونی، پایدار و کلی نسبت می‌دهند در حالی که حوادث منفی را به عوامل بیرونی، ناپایدار و اختصاصی مربوط می‌سازند. روشن است که این ناهمسانی ضمن آنکه در عوامل مختلفی ریشه دارد با پیامدهای متفاوتی نیز همراه است. چنان که مطابق نظریه در ماندگی، کسانی که رویدادهای منفی را با توجه به عوامل

درونی، پایدار و کلی تبیین می‌کنند، آمادگی بیشتری برای در ماندگی (Distress) و حتی افسردگی (Depression) دارند. حال آنکه سبک تبیین خوش‌بینانه از احساس در ماندگی و ابتلا به افسردگی پیشگیری می‌کند. (خنیفر و مقیمی، ۱۳۸۸).

بررسی‌ها نشان می‌دهد اولاً سبک اسناد درونی و اعتقاد به هسته کنترل درونی در دانش‌آموزان منجر به عزت‌نفس، خودپنداری و مسئولیت‌پذیری در تحصیل می‌شود. لذا با توجه به اینکه سبک اسناد دانش‌آموزان قابل بازسازی و تغییر از اسنادهای منفی و ناسازگار به اسنادهای مثبت و سازگار می‌باشند، معلمان باید با تبیین اهداف تحصیلی بر مبنای تفاوت‌های فردی و تأکید بر توفیق‌گرایی و تکلیف‌گرایی، اسنادهای مثبت را در دانش‌آموزان تقویت و مبنایی استوار برای پیشرفت تحصیلی آنان فراهم نمایند.

منبع

۱. خنیفر، ح. مقیمی، س.م. (۱۳۸۸). درآمدی بر فلسفه اخلاق در سازمان (مطالعه موردی منشورهای اخلاقی). فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال ۱۱، شماره ۱.
۲. خداپناهی، م.ک. (۱۳۸۵). انگیزش و هیجان. تهران: انتشارات سمت.
۳. دارابی، ج. (۱۳۷۳). بررسی مقایسه‌ای سبک اسناد در نمونه‌ای از دانش‌آموزان روستایی و شهری و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز (چاپ نشده).
۴. رضایی مقدم، ک. رستمی، ش. (۱۳۸۹). سبک اسناد هسته کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۶ شماره ۲.
۵. سیف، ع.ا. (۱۳۷۹). روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش). تهران: انتشارات آگاه.
۶. شیخ‌الاسلامی، ر. (۱۳۷۷). بررسی رابطه سبک اسناد و هسته کنترل با پیشرفت تحصیلی با توجه به متغیرهای هوش، جنسیت و زمینه خانوادگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، (چاپ نشده).
۷. علاقه‌بند، ع. (۱۳۸۴). مبانی نظری و اصولی مدیریت آموزشی. تهران: نشر روان.
۸. کریمی، ع.ی. (۱۳۸۵). روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها). تهران: انتشارات ارسباران.
۹. موسوی، و. (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین سبک‌های اسناد و عزت‌نفس دانش‌آموزان. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۴، شماره ۲.
۱۰. هرسی، پ و بلانچارد، ک. (۱۳۷۷). مدیریت رفتار سازمانی (کاربرد منابع انسانی). ترجمه علی علاقه‌بند، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۱. یوسفی، ب و شیخ، م. (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه اثر سه برنامه هدف‌چینی، بازآموزی اسنادی و ترکیبی بر میزان عزت‌نفس، احساس خودسودمندی، سبک اسنادی و انگیزه توفیق‌گرایی دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی شهر کرمانشاه. فصلنامه حرکت، شماره ۱۳.
12. bramson LT, Seligman MEP, Teasdale JD. (1978). Learned helplessness in humans: Critique and reformulation. J Abnormal Psychology, 87(11):49-74.
13. Forsterling F.(2001). Attribution: An introduction to theories, research, and applications. Hove, UK: Psychology Press.
14. Houston D.M. (1994). Gloomy but Smarter: the academic Consequences of attributional style. British Journal of social psychology, 33:433-441.
15. Nokelainen P, Tirri K, Merenti-Valimaki H.(2007). Investigating the influence of attribution styles on the development of mathematical talent. Child Q, 51(1):64-81.
16. Weinr B.(1994). Integrating social and personal theories of achievement striving. Review of educational research, 74:557-573.
17. Weiner B.(1986). An attributional theory of motivation and emotion. New york: Springer.
18. Zahrakar k.(2007). The study of the relationship between dimensions of emotioal intelligence and academic achievement. Applied psychology, 2(5):89-98.